

که در هیچ عرصه ای پیشگام نبوده اند به نظر راحت تر و سربلند تر از خیلی ها هستند. این وضعیت نشان می دهد آن ها که مسئول بودند به خوبی نتوانستند این عرصه را مدیریت کنند. یعنی شرایط به گونه ای نشده است که پیشگامان جنگ و دفاع مقدس امروز هم پیشگام باشند. آقای احمدی شما هم به این پرسش پاسخ دهید که نسل شما چرا نتوانست فرهنگ ارزش ها و ایثار را در جامعه گسترش دهد. شما پس از جنگ کجا رفتید؟ فرهنگ که یک امر فردی نیست. از سوی دیگر حوزه فرهنگ در جامعه ما متولی مشخصی ندارد.

من تا دو سال قبل که در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم فضای بغرنج دانشگاه را در تعامل با ایثارگران دیدم و حس کردم. جالب است یکی از مسئولان دانشگاه به من می گفت ما در این دانشگاه حدود ۴۰۰ ایثارگر و فرزند ایثارگر داریم که هیچ کدام شان حاضر نیستند دیگران بدانند آن ها فرزند ایثارگر هستند و علاقه مند بودند این امر را تا جایی که می شود مخفی کنند.

آقای احمدی به نظر تان چرا شرایط اینگونه شد؟ نمی دانم به هر حال متولیان امر پس از جنگ خوب عمل نکردند و



**۶ فرزندان شهدا حاضر نیستند دیگران بدانند آن ها فرزند شهید هستند و علاقه مندند این امر را تا جایی که می شود مخفی کنند**

فرهنگ ایثارگری به طور مرموزانه ای کنار گذاشته شد. شاید یکی از دلایل عملکرد نامناسب رسانه ای متولیان بنیاد شهید باشد. چند سال قبل یکی از مسئولان بنیاد شهید برای بازدید به آسایشگاه آمده بود. از او سوالاتی پرسیدم. از او پرسیدم آیا شما سرپرست اعضای خانواده ات هستی؟ گفت: بله. گفتم شما خرج و مخارج و هزینه لباس و پوشاک آن ها را می دهی؟ گفت بله حتما این کارها را می کنم. بعد به او گفتم این کارها را که انجام می دهی همه جا هم اعلام می کنی یا جار می زنی که من هزینه های خانواده ام را پرداخت می کنم؟ گفت نه این کار زشتی است. من این کار را نمی کنم. به او گفتم پس چرا بنیاد شهید یک کاری که برای ایثارگران و جانبازان انجام می دهد آن را همه جا و در رسانه ها جار می زند در حالی که خیلی از آن ها واقعیت ندارد. این رویه و این جار زدن ها به مرور احساسی در مردم به وجود آورد که نگاه آن ها به ایثارگران، خانواده شهدا و جانبازان تغییر کرد. من خودم بارها با چنین موضوعاتی برخورد کرده ام مثلاً خانواده هایی

که فرزندان شان در دانشگاه قبول نمی شوند خیلی سریع انگشت شان را به سمت سهمیه های ایثارگران می چرخانند در حالی که انواع و اقسام سهمیه ها وجود دارد و هیچ وقت بازگو نمی شود. سهمیه هایی که اعضای هیئت علمی دارند چرا هیچ وقت مطرح نمی شود. چرا وزارت علوم در این زمینه اطلاع رسانی نمی کند و چرا این قدر فرزندان ایثارگران را تحت فشار قرار می دهند؟

احمدی: فکر می کنید برای جانبازان قطع نخاعی واقعاً برنامه ای بوده است. از دهه شصت که تعداد جانبازان قطع نخاعی رو به افزایش می رفته است ظاهراً صحبت هایی بین آقایان مطرح بوده که قطع نخاعی ها بیش تر از ۱۰ سال زنده نمی مانند. خیلی لازم نیست برای این ها برنامه ریزی کنیم.

**واقعاً چنین دیدگاهی وجود داشته؟**

محمدنیا: به هر حال این زمزمه ها وجود داشته، شنیده و گاهی هم برداشت می شده است. یعنی خود نبود برنامه مدون در حوزه های مختلف چنین واقعیتی را حکایت می کند.

احمدی: اگر اقتصاد و معیشت برای جانبازان مثل تمام اقشار دیگر درست شود مسائل فکری و فرهنگی هم درست می شود. اگر به مباحث معیشتی جانبازان وارد شوید که حتماً شدید خواهید دید که جانبازان چه وضعیت بغرنجی دارند. پس از سی و اندی سال از جنگ هنوز قانون مدون و جامعی برای ساماندهی وضعیت ایثارگران نداریم و قانون جامع ایثارگران هم که هنوز معطل مانده است و آن قدر دست به دست شد که از سرانجامش هیچ چیز معلوم نیست.

آقای محمدنیا اگر شما هم نکته ای هست بفرمایید که در این بخش بحث مان جمع شود.

در خاطر من هست پس از جنگ برخی از سران نظام در نماز جمعه اعلام کردند الان دیگر شرایط جنگ نیست. در واقع آن ها شرایط پس از جنگ را طور دیگری تعریف کردند. نخواستند آن همه سرمایه ای که در دفاع مقدس شکل گرفته بود به متن جامعه بیاورند و در آن تزریق کنند.

**به نظر شما چرا؟**

شاید فکر می کردند این موضوعات و فرهنگ دفاع مقدس با شرایط امروز جامعه سازگاری ندارد و نمی توان جامعه را با آن به جلو برد. در حالی که حضرت امام نکته دیگری را می گفتند این که بزرگ ترین سرمایه ما دفاع مقدس بود، مظلومیت ما و البته اقتدار ما در جنگ ثابت شد و همه این ها می توانست سرمایه بزرگی برای مدیریت جامعه پس از جنگ باشد که امور دیگری جای این مهم را گرفت. حتی برای برخی از مسئولان پس از جنگ هم متأسفانه این فرهنگ چندان جایگاه نداشت حتی آقای... در جایی گفت ما این صنف ها (تشکل های ایثارگری) را به رسمیت نمی شناسیم. این شخص کسی بود که خودش جزو سردمداران جنگ بود و این ها از کسانی بودند که خط و خطوط زمانه خود را تعیین می کردند. به طور قطع اگر شرایط پس از دفاع مقدس نشأت گرفته از فرهنگ دفاع مقدس می شد که امروز فتنه ها پدیدار نمی شد. «مستضعف» که واژه قرآنی بود و امام بر آن تأکید داشت به «آسیب پذیر» تغییر نام داد. امام می خواستند اقشار مستضعف بالای جامعه باشند و جزو سران جامعه شوند و همه ما خاک پای آن ها باشیم اما متأسفانه راه به سوی دیگری رفت... ما باید الان جامعه و شرایط بهتری می داشتیم.